

مریم حیدرزادہ

تو را در حضور ہمہ دوست دارم



تقدیم به تو که بیشتر از همه دنیا دوستت دارم

به پاییز که بعد از تو سکاندار کشتی زندگی من است. به پرسپولیس همیشه سُرخم که دنیا به آن می‌نازد. به تمام آنانی که دنیا سخت به حضورشان نیازمند است. تقدیم به شازده کوچولو، گل سرخ محبوب و سیاره‌اش، به سیب و قانون جاذبه‌ای که بی‌آن‌که از وجود تو خبر داشته باشد به حساب او گذاشته شده است. به تک‌تک رنگ‌های آب‌رنگم که از کودکی تا به امروز انتظار دست به قلم شدنم را می‌کشیدند. به نقاشی و هرچه نقاش وفادار در دنیا است. به بیستون که عاشق‌ترین کوه دنیا است. به مارادونا و هنر افسانه‌ای‌اش. تقدیم به کسانی که زندگی حوصله آن‌ها را سر بُرد و رفتن را به ماندن ترجیح دادند. به هدایت و نگاهش به مرگ، رامبراند و غوغای زرد و بنفش نورهایش، خسروی صبور بی‌تکرار پرده نقره‌ای. به علی حاتمی، دلشدگان و لیلای دوست داشتنیش. حسین پناهی و زمزمه‌اش که تا بود کسی جدّیشان نگرفت. به حافظ و فال‌بی‌نظیرش. سعدی و غزل‌های عاشقانه‌اش، مجنون و صحراگردی‌اش. ونگوگ و گل‌های آفتاب‌گردانش. شکسپیر و رومئو و ژولیتش. تقدیم به مارکیز و یک قرن تنهائیش. موتزارت و سمفونی ناتمام عمرش. گراهام بل و اختراع مهربانش. میکلائو و خلق بی‌همتایش. شاملو و آیدای یگانه‌اش. لورکا

و ساعت ۵ عصرش. مشیری و کوچۀ بی انتهایش. اخوان و زمستانش. مولوی و شمس‌اش. بتهوون و زندگی رازگونه‌اش. تقدیم به تمام قهرمانان کودکیم. از عروسک‌هایم گرفته که هنوز هم هستند تا نل و جعبۀ موزیکالش و پارادایز که آن وقت‌ها نمی‌دانستم همان بهشت خودمان است. به پتِ پستیچی که نامه را در ذهنم عزیزتر کرد. به کلبۀ درختی خانوادۀ دکتر ارنست، به لوسین که یک عاشق واقعی بود، به بچه‌های مدرسۀ والت و معلم مهربانشان. به استرلینگ که همه او را به هوای رامکال می‌شناسند. به بادبادک‌هایی که لابه‌لای راه به هیچ درختی گیر نمی‌کنند و تا آخرین نقطۀ اوج پَر می‌کشند. به مونه و مردابش، لُرد بایرون و عاشقانه‌هایش، به تمام نوشته‌هایی که ناشناخته‌اند. به اقیانوس آرام و جزایرِ دورش. به همۀ گلِ سرخ‌های شکفته و نشکفته دنیا. به رابین‌هود و دستانش. به پُل الوار و دل‌تنگی‌های عاشقانه‌شعرهایش. به تمام برگ‌های پاییز، به ماه کامل، غروب و مهتاب، مرغانِ دریایی و کاج‌های کریسمس، دریا، شمع‌های همیشه روشن، پیانو و صدای آسمانیش، باران و هوای عاشقانه‌ بعدش. به آسمان چه ابری چه پُرتاره و به آرامشِ بعد از دیدار و به تو که مثلِ بارِ اوّل دوباره می‌نویسم بیشتر از همۀ دنیا دوست دارم.

تو را با شب و زمزمه دوست دارم

تو را ناب و بی ترجمه دوست دارم

تو را بکر و بی واهمه دوست دارم

تو را در حضور همه دوست دارم



از بس تو را دوست دارم صدای همه درآمده است. هرکس به شیوۀ خودش اعتراض می‌کند یکی با حسادت و آن یکی با محبتِ بیشتر از قبل. اتفاقاً جذّاب است شاید به خاطر این هم که شده تکانی به قلب‌هایشان بدهند، بدک نیست، اِنقَدَر تو را تمرین کنند که لااقل به هوای تو نامهربانی از یادشان برود. سلام می‌کنم به زمینی که زیرِ قدم‌های تو می‌چرخد، نه، یقین دارم که دورِ تو. به تکه‌ای از آسمان که بالای سرِ تو می‌نشیند. سلام به هوایی که نَفَسِ تو می‌شود و به تمام هرچه که نگاهش می‌کنی. این روزها دیگر حتّی صدای فرهاد و مجنون هم درآمده است که تو رکورد این همه سالشان را برده‌ای زیر سؤال، جدّی بگیر، همۀ این‌ها را جدّی بگیر. وقتی تو نیستی هیچ‌کس نیست، اصلاً بگذار یک چیز را برایت بنویسم چه خوششان بیاید چه نیاید من به عشقِ تو زنده‌ام، به هوایت نفس می‌کشم و به بهانه‌ات ادامه می‌دهم. آنچه را که همه زندگی صدایش می‌زنند شاید این حرف‌ها برای همه خیلی واضح نباشد اما چه اهمیّت دارد تو که روبه‌رویم نشسته باشی انگار دنیا با همۀ بزرگی‌اش سکوت کرده و به من گوش می‌کند.

بگذار همه به دیوانگی‌ام اعتراف، شاید هم اعتراض کنند، سرزنش و تشویق‌شان برایم یکی است. فقط تو نرنج، فقط تو بمان، فقط تو باش، فقط تو هم عاشق باش. من جز تو کسی را نمی‌شناسم، نه کسی را می‌بینم نه چیزی را می‌شنوم از بس تو را دوست دارم گفتم که صدای همه درآمده است، خودم را فراموش کرده‌ام نه این‌که تو صدایم کنی و اسمم یادم بیاید، هرچیزی این‌جا را به یاد تو می‌اندازد، چه رودخانه، چه ویتترین رنگی فروشگاهِ مُدرن، چه برگ

نارنجی پاییز، چه شلوغی ایستگاه مترو، همه چیز تویی و تو در همه چیز خلاصه‌ای، تو عزیز دُر دانه قلب من، تنها شیرینی عمرم، تنها دلخوشی روزگاری، ستاره ما هم اگر یادت مانده باشد گفته بودم که تو از بس ماهی، ستاره شدی.

حقیقتش تا قبل از آمدنت زندگی عجیب روی شانه‌هایم سنگینی می‌کرد، حوصله نمی‌کردم حتی قدم از قدم بردارم چه برسد به قلم، شعر و ترانه. اما حالا که هستی، حالا که عاشقی، حالا که می‌مانی این خط خورده‌های شبانه عاشقانه سرگردان را از من بپذیر.

تک تک واژه‌های این کتاب به احترام تو ایستاده‌اند، تا همیشه تا هر چند قرنی که از عمرشان بگذرد به پاکی و معصومیت تو تعظیم می‌کنند.

تمام لحظه لحظه زیبای تولد این عاشقانه را به غصه آرام گرفته در گهواره چشمان نجیب تقدیم می‌کنم. به تولد پاییزی‌ات، قلب دور از زمینت، روح نزدیک به آسمانت، صدای جادوی‌ات که هنوز شروع به خواندن نکرده مرا تا ابرها می‌برد، تمام این سطرها دلیل تولد این کتاب است.

در حضور همه عاشق توأم، تو را در حضور همه دوست دارم، تو را در حضور همه می‌بوسم، چه در ایستگاه قطار، چه در عرشه کشتی، چه فرقی می‌کند هر جا که باشد من تو را در حضور همه دوست دارم. تو را در حضور همه جوری صدا می‌زنم که تا به حال هیچ معنون و لیلی‌ای هم دیگر را صدا نزده‌اند، در حضور همه دیوانه‌وار می‌پرستم. تو را در حضور همه لمس می‌کنم، در حضور همه به تو افتخار می‌کنم. با تو اوج می‌گیرم و خانه را آلبومی می‌کنم از

تصویرهای زیبای تو: دنیا دنیا عکس، از بی‌قراری و لبخندت، پریشانی و شادی‌ات، دلتنگی و خوشبختی‌ات.

وقتی که تو نیستی، نه اصلاً این جمله را خط می‌زنم مگر می‌شود تو نباشی و من بمانم. از خدا قول گرفته‌ام که این یک بلا را سرم نیاورد. همین چند وقت پیش که با هم حرف می‌زدیم قسمش دادم به خودش گفتم خدایا: همه چیز قبول فقط کاری به کار عشقم نداشته باش، من را با هرکس و هرچیز که می‌خواهی امتحان کن به جز او، به خدا گفتم من را با همه امتحان کند جز تو.

شانه‌هایم با همه صبوری یقین دارم این یک درد را تاب نمی‌آورند. در حضور همه کمست می‌کنم، کوچک‌ترین تردیدی ندارم که تمام دنیا با شنیدن اولین سطر قصه عاشقانه من و تو از شدت آرامش به دعوت یک خواب آرام جواب مثبت خواهند داد. در حضور همه در آغوش می‌گیرم، آن قدر محکم که از دست به هم خوردن جاذبه جادویی زمین هم کاری بر نیاید. در حضور همه به امنیت شانه‌هایت پناه می‌آورم و تکیه می‌کنم. دست در دستانت پروازی را تجربه می‌کنم که هیچ پرنده‌ای حتی خوابش را هم ندیده است و نخواهد دید.

با تو در حضور همه به ابدی‌ترین آرامش دنیا می‌رسم. با تو به همه نشان می‌دهم که بهشت همان جایی است که به خوشبختی عاشقانه رسیده باشی. دیگر تمام آب‌های عالم از سرم گذشته است. تو را در حضور همه ترجمه می‌کنم به تمام زبان‌های زنده و مُرده و کشف شده و کشف نشده و شناخته و ناشناخته و منسوخ و رایج دنیا، حتی به لهجه‌هایی که هنوز کسی با آن کلامی به زبان نیاورده است. تو